



فالگیرها چطور گذشته و آینده شما را حدس می زنند؟! / شکستن طلسم از 100 هزار تومان!

فنجان که برمی گردد، نگاه دختر روی دهان زن قفل می شود و نگاه زن، تنگی و گشادی مردمک چشم دختر را می پاید.

فنجان که برمی گردد، نگاه دختر روی دهان زن قفل می شود و نگاه زن، تنگی و گشادی مردمک چشم دختر را می پاید. می گویند چشم ها حرف می زنند. مردمک ها با باز و بسته شدن، مرز شوق و بی تفاوتی را می شکنند و همه این ها به پای خطوط سیاه قهوه در کف فنجان نوشته می شود. دنیا، دنیای سودجویی است؛ حرف های نگاه را به پای قهوه می نویسند! دخترک سر تکان می دهد، به تایید و این تایید یعنی که فالگیر درست عمل کرده. یعنی که دختر جمله های دو پهلوی را همان طوری تعبیر کرده که از اول دلش می خواست! یعنی از میان یک مشت حرف های درست و نادرست، دختر هر چه را خواسته جدا کرده و هر چه را درست ندیده، بی هیچ سخت گیری، گذاشته به پای خطوط مبهم بخت خودش.

ایراد از نسل ما نیست. اشکال سر عجل بودن ذاتی بشر است که دلش می خواهد لقمه زندگی را جویده و نجویده قورت دهد. اشتباه توک زدن به آینده و پیش بینی فردا و پس فردا، مجال ظهور یک شبه هر ترفندی را می دهد؛ حتی مجال خودنمایی مشاغلی مثل فالگیری؛ مشاغلی که به نظر می رسد در عصر ارتباطات و تکنولوژی مجالی برای نفس کشیدن نداشته باشند، اما هنوز سرسختانه به مسیرشان ادامه می دهند، هنوز بازارشان داغ است و مشتری های پروپاقرص دارند.

همین می شود که شنیدن چند ورد زیر لب، خوردن یک فنجان قهوه ترک ناخالص و شنیدن چند جمله مبهم دو پهلوی که قضاوت کردن آن، به هر شکلی که مشتری دلش می خواهد، هنوز پرترفدار است.

البته از جماعتی که به سراغ فال قهوه می روند، خیلی ها هم می گویند که فال را خیلی جدی نمی گیرند. با این وجود وقت، پول و انرژی خود را صرف شنیدن همان چیزهایی می کنند که جدی نمی گیرند؛ بهانه این گروه هم یک کلمه پنج حرفی است: تفریح! این تفریح اما بعضی وقت ها گران تمام می شود، تا جایی که قیمت شکستن طلسم در یکی از صفحات مدعی فالگیری در اینستاگرام از صد هزار تومان تنها برای سرکتاب باز کردن شروع می شود و در مرحله های بعدی تا یک میلیون تومان و حتی بیشتر هم بالا می رود.

با این حال در دنیای پر رنگ و لعاب فال و فالگیری، انگار اقبال فال قهوه از بقیه بلند تر است و بین فال هایی مثل فال ورق، تاروت، پی چینگ، فال تیل، نخود، چای و انواع طالع بینی های دیگر بیشتر از همه طرفدار دارد؛ فالی که قیمتش از 20 هزار تومان شروع می شود و بعضی وقت ها به 100 هزار تومان هم می رسد؛ 100 هزار تومان نا قابل برای یک فنجان قهوه تلخ و کوچک که اگر نیابتی درخواست داده باشید حتی از نوشیدن این فنجان گران هم بی بهره مانده اید.

این را زن فالگیری به ما می گوید که صاحب یک صفحه پرترفدار در اینستاگرام است و برای ویزیت و مشاوره، وقتش تا یک ماه بعد پر است. عجیب نیست که او جزو جماعتی باشد که معتقدند فال جنبه علمی دارد، البته با تاکید بر این

جمله که «نه هر فالی و نه هر فالگیری.» جمله که ای که بطور مشخص مشتری ها را برای خود او نگه می دارد! این زن فالگیر برای اثبات ادعای خود به ما، به تفسیرهای علمی متوسل می شود؛ تفسیرهایی که هیچ سندیتی ندارند: «در مورد فال قهوه می گویند که چون لب انسان زمان نوشیدن قهوه با فنجان تماس مستقیم برقرار می کند، از این طریق دی ان ای!! او به فنجان منتقل می شود و از طریق دانه های قهوه در آن نقش می بندد! در مرحله بعدی دانه هایی که در برگرفته و انتقال دهنده دی ان ای هستند به صورت نمادهایی که در علم فالگیری معنا و مفهوم دارد، مثل اعداد و اشکال در فنجان نقش می بندند!»

زن فالگیر دلایل زیادی را برای موجه نشان دادن کارش ردیف می کند، اما ما آخرش هم نمی فهمیم که چطور می تواند، نام یک جوان خوش تیپ را در دی ان ای هر دختر جوان دم بختی ببیند و یک زن چاق کینه توز را در دی ان ای هر زن میانسالی.

پشت پرده شگرد فالگیرها برای مجاب کردن مشتری

اما فالگیرها چطور می توانند، با حرف هایی که پایه علمی ندارند سر افراد زیادی را کلاه بگذارند و بازار کاسبی شان همیشه سکه باشد؟! اصلا فالگیرها چطور از مشاهده حال و احوال مراجعه کننده هایشان به گذشته و آینده ها پل می زنند؟!

ما این سوال ها را از دکتر علیرضا شوقی، روان شناس اجتماعی و استاد دانشگاه می پرسیم و او در جواب می گوید: «وقتی انسان با باور حل مسائل و مشکلاتش به سراغ مرجعی مثل یک فالگیر می رود و احساس تلقین پذیری شدید را با خود حمل می کند، میزان تأثیرپذیری اش بیشتر می شود و در نتیجه طوری رفتار می کند که به او القا شده است. در حالی که قسمت بزرگی از این تأثیرپذیری را خود شخص و باور درونی او ساخته است. برای مثال وقتی فالگیر به زنی می گوید که برو همسرت دوستت خواهد داشت! به واسطه انگیزه و امیدی که در قلب او شکل می دهد بر رفتارهای او دست کم تا آینده ای نزدیک تأثیر می گذارد و در نتیجه مسائل هم به شکل بهتری پیش خواهد رفت.»

دکتر شوقی ادامه می دهد: «این پیش بینی ها اغلب بر مبنای احتمالات شکل می گیرند و مسائلی که معمولاً برای زنانی از یک قشر خاص و با گروه سنی خاص در خانواده و محل کار اتفاق می افتد. معمولاً در این جریان صدها هزار پیش

بینی غلط فراموش می شود ولی یک گفته صحیح در یاد می ماند و در نتیجه به نوعی بر قدرت مرموز فالگیرها و پیشگوها اضافه می شود و همه این ها هم به این خاطر است که انسان همیشه به دنبال امید بوده است. این جست و جوی روزنه امید را در فرهنگ های باستانی هم می بینیم. در آن دوران نیز پیشگویان در جام و گوی و شیشه و آینه وقایع آینده را پیش بینی می کردند.»

زنان، مشتری های اصلی

یک حساب سرانگشتی مردان را از قافله فالگیرها و مشتریان فال جدا می کند. تقریباً در تمام دنیا زنان مشتریان اصلی فال و یادگیری فالگیری به حساب می آیند.

دکتر شوقی می گوید: «مراجعه و اتکای بیش از حد برخی زنان به خرافات و فالگیری به نوعی موضع ضعف و ناتوانی آنها را در حل مسائل خود نشان می دهد و می تواند ناشی از ضعف واقعیت گرایی و موضع انفعال در این گروه باشد.» او اضافه می کند: «زنان تأثیرپذیرتر از مردان هستند و هنگامی که احساس شکست می کنند همچنان می کوشند تا راه خود را ادامه دهند. بنابراین به دنبال راه هایی برای خروج از مشکلات هستند. روی آوردن به فال و خرافات هم یکی از این راه هاست.»

هرکسی خودش آینده را می سازد

«صد سال پیش آدم ها در همان جایی به دنیا می آمدند که پدر و مادرشان به دنیا آمده بودند. روند تغییرات هم به قدری کند و کلیشه ای بود که همه چیز تقریباً از پیش روشن بود. پس فالگیرها چیز زیادی برای گفتن نداشتند. اما امروز معانی به حدی تغییر چهره داده اند و ارزش ها آن قدر به سرعت دگرگون شده اند که زندگی به پدیده ای پیچیده و غیرقابل پیش بینی تبدیل شده است. امروز انسان ها تأثیر نقش خود را در شکل بخشی به زندگی شان در مقایسه با سایر عوامل بسیار کم رنگ می بینند و در نتیجه در جست و جوی راه حلی برای گشایش امور هستند.»

این ها هم حرف های دکتر شوقی است، روانشناسی که مصرانه معتقد است فالگیرها از روی رفتار خود مراجعه کننده ها ، آینده او را پیش بینی می کنند یا به گذشته اش اشاره می کنند.

این استاد دانشگاه معتقد است: «انسان قدرت اداره زندگی خودش را دارد و کافی است بخواهد تا بتواند و جز خودش و اعمال و روشی که در زندگی در پیش می گیرد، هیچ کسی نمی تواند آینده او را رقم بزند.»

اما دختر ابتدای گزارش، هنوز برای خواندن دست روزگار بی تاب است. پول را که روی میز می گذارد، خوشحال است. شنیده است گره کارش باز می شود. محبوبیت پیدا می کند. شنیده است اگر چهل شب شمع روشن کند، دفع بلا می شود. شنیده است به محبوبش می رسد و برای حذف رقیب، کافی است هزینه وردی را بپردازد که فالگیر می نویسد. همه این ها برای چند روز و چند هفته دل خوش بودنش کافی است. بعد از آن هم مثل دفعه قبل و دفعه های قبل تر که از پس چند روز آرامش، اگر اتفاقی خلاف وعده های فالگیر می افتاد، می گذاشت به حساب برج های کجساز فلکی و حيله هایی که دشمنانش در کارش می کنند، برای هر بدبختی و اتفاق عکسی، توجیهات کافی دارد. این توجیه ها را هم البته فالگیر یادش داده است!

مینا مولایی / جام جم آنلاین